

فرهنگهای فارسی

نخستین فرهنگ فارسی (پس از اسلام) که نام آن «مارسیده» رساله « ابو حفص سغدی » یا « فرهنگ ابو حفص سغدی » است که تا اوایل قرن یازدهم هجری وجود داشته و مولفان فرهنگهای جهانگیری ورشیدی از آن نقل کرده اند . بعضی این رساله را تالیف ابو حفص حکیم بن احوص سغدی که نوعی رود - بنام شهرود - را اختراع کرده و در حدود سال ۳۰۰ هجری میزیسته میدانند و برخی مولف را شخص دیگر گمان برده اند که در اواسط قرن پنجم هجری میزیسته (۱) از این فرهنگ اکنون اثری نیست .

دومین فرهنگ که نامش «تفاسیر فی لغة الفرس» تالیف قطران شاعر معروف است این مطلب از لغت فرس اسدی و کشف الظنون حاج خلیفه تأیید میشود ازین فرهنگ هم اثری در دست نیست ولی نسخ خطی بنام فرهنگ قطران در کتابخانهها موجود است که تلخیص است از فرهنگ اسدی.

اولین فرهنگ فارسی موجود لغت نامه یا لغت فرس تالیف ابومصور علی بن احمد اسدی طوسی شاعر معروف (قرن پنجم، ه) است. درین کتاب بسیار تصرف کرده و مطالبی بر آن افزوده اند بطوریکه نسخ خطی آن باهم اختلاف بسیار دارد و حتی بین دو چاپ هرن و چاپ اقبال اختلافی فاحش موجود است، بنیاد بابهای این کتاب بر حرف آخر است .

دومین فرهنگ فارسی موجود صحاح الفرس تالیف شمس الدین محمد بن فخر الدین هند و شاه نخبجوانی مشهور به شمس منشی نویسنده قرن هشتم است (تالیف ۷۲۸ هـ ق) و آن شامل ۲۵ باب دارای حدود ۴۳۰ و ۲۴۰ لغت است . بنیاد بابهای این کتاب نیز بر حرف آخر است. سپس در همان قرن شمس فخری اصفهانی در معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی یک فصل (فن چهارم) را به لغت فرس تخصیص داده و این بخش سومین فرهنگ موجود فارسی بشمار میرود.

در همین قرن هشتم چون گروهی از سلسلههای پادشاهان مسلمان و فارسی زبان در هند حکومت داشتند و مردم هند احتیاج بفرآگرفتن زبان فارسی را - که زبان دربارها بود - بیش از پیش احساس میکردند بتألیف فرهنگ فارسی دست زدند.

نخستین فرهنگی که در هند نوشته شد تالیف مبارک شاه غزنوی مشهور بفخر قواس (متوفی

۱ - در مقاله حاضر ما بفرهنگهای اختصاصی و موضوعی و فرهنگهای لهجههای ایرانی یا فرهنگهای دوسه زبانه توجهی نداریم فقط از فرهنگهای فارسی بفارسی بحث میکنیم .

۷۱۶ هـ ق) است بنام فرهنگ قواس (۱)

سپس محمد بن قوام بن رستم بن محمود بدر خزانة بلخی معروف به کری کتاب «بحر الفضائل فی منافع الافاضل» را تألیف کرد (اواخر قرن هشتم) (۲)

پس از قاضی خان بدر محمد دهلوی معروف به دها دال در ۸۲۲ هـ ق «اداة الفضلا» را برشته نگارش در آورد.

در اوایل قرن نهم ابراهیم قوام فاروقی در لایت بهار هند شرف نامه را بنام مرشد خود شرف الدین احمد متیری تألیف کرد (۳) محمد بن داود بن محمود بسال ۸۷۲ هـ ق مفتاح الفضلا را تدوین کرد (۴)

محمد بن شیخ ضیاء در زمان اسکندر بن بهلول شاه کتاب «تحفة السعاده» را بسال ۹۱۶ هـ ق برشته نگارش در آورد (۵) در اوایل قرن دهم کتاب «مویدالفضلا» را محمد لاد تألیف کرد و نیز در اوایل همان قرن کشف اللغات توسط عبدالرحیم بن احمد سورتالیف شد و همچنین در همان اوان حسین و فائی را بسال ۵۳۳ هـ ق تألیف کرد (۶).

در اواسط قرن مذکور «فرهنگ شیرخانی» یا «فوائد الصنائع» تألیف شد و خلاصه آن بنام «زبدة الفوائد» بسال ۹۵۵ تنظیم گردیده (۷) همچنین در همان قرن فتح الکتاب «بقلم ابوالخیر بن سعد انصاری بنام فتح خان الهنی بسال ۹۹۱ هـ ق برشته تحریر در آمد (۸)

در پایان قرن مذکور «مجمع اللغات» توسط ابوالفضل وزیر جلال الدین اکبر شاه تألیف شد (بسال ۹۹۴ هـ ق) (۹) اما در ایران در زمان شاه طهماسب صهوی (۹۳۰-۹۸۴) میرزا ابراهیم شاه حسین اصفهانی فرهنگی تألیف کرد که بنام «فرهنگ میرزا ابراهیم معروف است (۱۰)

در اوایل قرن یازدهم محمد قاسم متخلص بسروری کثانی ابن حاج محمد «مجمع الفرس» را بسال ۱۰۰۸ هـ ق تألیف کرد. چون این فرهنگ بهند رسید مولف جهانگیری از آن استفاده کرد و سپس فرهنگ جهانگیری بایران وارد شد و سروری در تجدید نظر فرهنگ خود آنرا مورد استفاده قرار داد (۱۱)

همچنین در اوایل قرن یازدهم در هند «مدار الافاضل» بقلم «اللهاد فیض بن اسد العلماء علی شیرس هندی برشته نگارش در آمد سال ۱۰۰۱ هـ ق (۱۲)

جمال الدین حسین بن فخر الدین حسن انجوی شیرازی در سال ۱۰۰۵ هـ ق «فرهنگ» خود را بنام اکبر پادشاه هندوستان شروع و در ۱۰۱۷ بی پایان رسانیده و سپس در آن تجدید نظر کرد و در سال ۱۰۳۲ نسخه مجددی از آن بیادشاه هند جهانگیر ابن اکبر عرضه داشت. (۱۳)

۱- رگ فرهنگ نظام ج (۵) مقدمه ص ۴ د (حاشیه) و ص ط ایضاص ۱۰۹ ط ی
۳- ایضاص. ای ۴- ایضاص ۱۱ یا ۵- ایضاص ۱۲ یب. ۶- ایضا ص ۱۳ یج- ۱۴ بد
۷- ایضا ص ۱۳ یج ۸ ایضا ص ۱۵ یه- ۱۶ یو- ۹ ایضا ج ۵ مقدمه ص ۱۵ یه
۱۰- رگ- مقدمه برهان قاطع مصحح نگارنده دیباچه ص هشتاد و یک- هشتاد و پنج فرهنگ
نظام ج ۵ ص ۱۷ یز- ۱۹- بط ۱۲- فرهنگ نظام ص ۱۶ یو- ۱۷ یزد ۱۳- رگ برهان
قاطع. مصحح نگارنده ج ۱ مقدمه ص هشتاد و یک هشتاد و پنج (بقلم علی اصغر حکمت) مقدمه
لغت نامه ص ۱۹۶-۱۹۷ (تکرار مقاله برهان) فرهنگ نظام ج ۵ مقدمه ص ۱۹ بط بیعد.

در همان قرن « چهارعنصر دانش » در زمان سلطنت جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷) توسط امان‌الله ملقب به‌خانه‌زادخان فیروزچنگ برشته تالیف در آمد (۱)

نیز علی محمد شیخ عبدالحق دهلوی کتاب « جمع الجوامع » را بسال ۱۰۳۹ تالیف کرد . (۲)

عبداللطیف بن عبدالله کبیر گجرائی (متوفی ۱۰۴۸) لطایف اللغات را تدوین کرد . (۳)

محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان در سال ۱۰۶۲ برهان قاطع را تالیف کرد . (۴)

دو سال پس از تالیف برهان یعنی در ۱۰۶۶ ه.ق عبدالرشید بن عبدالغفور حسینی مدنی از مردم تنه (سند) فرهنگ رشیدی را برشته تحریر در آورد (۵)

در قرن دوازدهم « سراج اللغات و چراغ هدایت » بقلم سراج الدین علی‌خان اکبرآبادی متخلص به آرزو در هند تالیف و منتشر شد (۶)

محمود بن شیخ عبدالواحد بن قاضی شمس‌الدین ساکن بریلی (محمود اللغات) در سال ۱۱۵۰ ه.ق. تدوین کرد (۷)

تیک چند متخلص به بهار عجم را بسال ۱۱۵۲ ه.ق با تمام رسانید (۸)

در قرن سیزدهم در ایران « برهان جامع » توسط محمد کریم تبریزی تالیف و در ۱۲۶۰ ه.ق. در تبریز چاپ شد و آن خلاصه برهان قاطع است و در حاشیه بعضی شواهد لغات افزوده شد .

الف

انجمن آراء « بقلم رضاقلیخان هدایت رحمته باشی در همین قرن منتشر شده (خاتمه تالیف ۱۲۸۸ ه.ق) نیز درین قرن در هند کتابهای ذیل تالیف شد : قطاس اللغه « شیخ نورالدین محمد

معروف به محمد یوسف متخلص بحکیم منتشر شد (آغاز تالیف ۱۲۱۴ ه.ق) (۹)
در سال ۱۲۲۰ ه.ق شمس اللغات تالیف و انتشار یافت (۱۰) اصطلاحات شعرا تالیف رحیم

الدین بن کریم الدین در همین قرن منتشر شد (۱۱)

« هفت قلزم » در زمان غازی بن حیدر پادشاه اود (جلوس ۱۲۲۹ ه.ق) توسط قبول محمد تدوین و تنظیم شد (۱۲) غیاث اللغات تالیف محمد غیاث الدین بن جلال الدین رامپوری در ۱۲۴۲ ه.ق . پایان یافته (۱۳) تسهیل اللغات « تالیف شیخ احمد متخلص به حسرت بن محمد علی بن

عبدالصانع بسال ۱۲۵۹ ه.ق. با تمام رسید (۱۴)

« بحر عجم » تالیف محمد حسین متخلص به راقم و ملقب به افضل الشعرا شیرین سخن خان در همین قرن منتشر شده (آغاز تالیف ۱۲۶۸ ه.ق) (۱۵)

« ارمغان آصفی » توسط محمد عبدالغنی خان متخلص به غنی بنام میر محبوب علی شاه آصف شهبادشاه دکن بسال ۱۲۹۰ ه.ق. تالیف گردید (۱۶)

- ۱ فرهنگ نظام ج ۵ ص ۲۴ - کد ۲ - ایضا ص ۲۵ که ۳ - ایضا ص ۲۵ که ۲۶ کو
۴ - رگ مقدمه برهان مصحح نگارنده ۵ - ایضا ص ۲۷ کز ببعد ۶ - ایضا ص ۳۱ لا - لب ۷ - ایضا ص ۴۲ تب ۸ - ایضا ص ۴۳ میج ۹ - ایضا ص ۴۵ مه ۱۰ - نام مؤلف ذکر نشده ولی بسر پرستی مستر جوزف برتیو جونیر صاحب انجام یافته (فرهنگ نظام ایضا ص ۴۵ مه) ۱۱ - ایضا ص ۴۶ مو .
۱۲ - فرهنگ نظام ص ۴۶ مورک . برهان مصحح نگارنده ج ۵ ص ۱۷ . ۱۳ - فرهنگ نظام ایضا ص ۴۶ مو - ۴۷ من مقدمه غیاث اللغات طبع دبرسیا قی ۱۴ - فرهنگ نظام ایضا ص ۴۷ من ۱۵ - ایضا ص ۴۷ مط ۱۶ - ایضا ص ۴۹ مط

در قرن چهاردهم فرهنگهای ذیل در هند تالیف شده. در آغاز قرن مزبور «فرهنگ آندراج» توسط محمد پادشاه متخلص به شاد بن غلام محیی الدین منشی مهاراجه «آندراج» راجه ولایت ویجی نگر تالیف و منتشر شده (پایان تالیف ۱۳۰۶ هـ ق) (۱)
 «آصف اللغات تالیف نواب عزیز جنگ بهادر (متوفی ۱۳۴۳ هـ ق) در ۱۷ جلد تاحروف جیم منتشر شده و مؤلف موفق با تمام آن نگر دیده (۲)
 «نقش بدیع» تالیف وجاهت حسین عندلیب شادانی رامپوری در سال ۱۳۴۲ هـ ق در لاهور بچاپ رسیده .

فرهنگ نظام « تالیف سید محمد علی دائی الاسلام ایرانی نام نظام دکن در پنج مجلد تالیف و در حیدرآباد دکن (۱۳۴۶-۱۳۵۸ هـ ق) بطبع رسیده در ایران فرهنگهای ذیل تالیف شده :

«فرهنگ ناظم الاطباء» یا «فرودسار» تالیف دکتر میرزا علی اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء (متوفی ۱۳۴۴ هـ ق) در پنج جلد (۳) که دو بار طبع شد.

فرهنگ «بهار» با اهتمام محمد علی تبریزی خیابانی که در دو مجلد در تبریز سال ۱۳۰۸ هـ ش بچاپ رسیده و آن تلخیصی است از انجمن آرای ناصری.

در سی سال اخیر اهتمام بیشتری درباره تالیف و انتشار فرهنگهای فارسی بعمل آمده که از جمله آنها از سلسله فرهنگای عمید . فرهنگ آموزگار . فرهنگ فارسی دکتر مگزی . فرهنگ امیر کبیر . فرهنگ اورنگ . فرهنگ گیلانی . فرهنگ طباطبائی . فرهنگ کاوه . فرهنگ معین باید نام برد .

* * *

دائرة المعارف - بمعنائیکه نزد غربیان معهود است . در ایران متداول نبوده . اما چند دائرة العلوم مجموعه شامل علوم مختلف . تالیف شده . در عصر ما دو دائرة المعارف تدوین گردیده تحت طبع میباشد .

۱- لغت نامه دهخدا « تالیف علی اکبر دهخدا که بمنزله فرهنگ دائرة المعارف است در سال ۱۳۲۵ هـ ش بطبع آن از طرف مجلس شورای ملی ایران آغاز گردید و سپس ادامه طبع آن بمعهده دانشگاه تهران (دانشکده ادبیات) محول شد و تا دنون ۱۲۰ مجلد آن طبع شده و آلمشروح ترین فرهنگ و دائرة المعارف فارسی است .

۲- دائرة المعارف دیگر ترجمه و تلخیص گونه ایست از Columbia University Desk - Encycloepedia که نخست توسط موسسه فرانکلین بترجمه آن اقدام شده و اکنون تحت نظر بنیاد فرهنگ ایران بکار خود ادامه میدهد و بزودی جلد اول آن منتشر خواهد شد .

نقائص فرهنگها

فرهنگهای فارسی که از قرن پنجم تا این اواخر تالیف شده اند بطور کلی دارای نقایصی هستند که مهمترین آنها از این قرار است .

۱- بیشتر توجه مؤلفان بلغات مشکل دور از ذهن مخصوصاً لغاتی که در شعر بکار میرود معطوف بوده و در نتیجه بسیاری از لغات معمول و متداول عصر خود و عصرهای پیشین را یاد نکرده اند .

۲- کم‌تر به تعریف لغات پرداخته‌اند و در عوض آنها را با يك يا چند مترادف شناسانده‌اند و چون بآن مترادف یا مترادفات مراجعه کنید می‌بینید که آن‌هم بلفظ اولی ارجاع شده و بدین ترتیب دور پدید می‌آید. مخصوصاً در تعریف لغات مربوط بگیاهان جانوران کاملاً سامحه شده و بسیاری از لغات را که مؤلف می‌شناخته بجای تعریف و تحدیدیه فقط بجمله « معروف است » اکتفا گردیده.

۳- بسیاری از لغات را مصحف و محذوف ثبت کرده‌اند و این امر غالباً بسبب خط عربی فارسی پیش آمده که در آن امتیاز حروف از یکدیگر وابسته به نقطه‌هاست و همین نقطه گذاری خود موجب تصحیف و تحریف بسیار شده. کاتبان متون نظم و نثر ولغت نامه‌ها هم بسبب عدم اطلاع هرج و مرجی ایجاد کرده‌اند. و در نتیجه يك لغت بصورت‌های مختلف (گاه تازه و پانزده صورت) نقل شده.

۴- تلفظ کلمه را بدو صورت یاد کرده‌اند:

۱- ذکر حرکات و سکنات که هم مایه اطناب و تفصیلاً و فهم آن برای بسیاری از مراجعان مشکل و هم فاقد دقت ار لحاظ تلفظ بعضی کلمات است.

۲- ذکر هم وزن در بسیاری از موارد که خواننده تلفظ هم وزن را نمیداند دچار اشکال می‌شود.

۵- وجه اشتقاق و ریشه لغات را نشان نداده‌اند و در مواردی هم که اظهار نظر کرده‌اند فقه اللغه عامیانه را بکار برده‌اند.

۶- هویت دستوری (گرامری) لغات را نشان نداده‌اند.

۷- لغات متشابه که از زبانهای مختلف (مثلاً زبانهای سامی و زبانهای هند و اروپائی) یا از زبانهای ایرانی ناشی شده‌اند ولی از ریشه‌های مختلف هستند همه را ذیل يك ماده آورده با هم خلط کرده‌اند.

۸- مواد را بترتیب منطقی الفبائی ضبط نکرده‌اند مثلاً عده‌ای حرف آخر را ملاک قرار داده‌اند و گروهی حرف دوم را و آنها هم که حرف اول را مستند دانسته‌اند همه حروف کلمه را مراعات نکرده‌اند.

۹- بعضی از فرهنگها تقریباً کلیه لغات عربی را که بسیاری از آنها در فارسی بهیچوجه مورد استعمال ندارد، در فرهنگ خود آورده‌اند.

این نقایص موجب گردید که در عهد حاضر فاضلان ایرانی کمر همت بر بندند و بر رفع آنها بکوشند فرهنگستان ایران هم پس از تاسیس اولین وظایف خود را (ترتیب فرهنگ بقصد رد و قبول لغات و اصطلاحات در زبان فارسی اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته‌های زندگانی با سعی در این که حتی الامکان فارسی باشد... جمع‌آوری لغات و اصطلاحات پیشه‌وران و صنعتگران جمع‌آوری الفاظ و اصطلاحات از کتب قدیم جمع‌آوری لغات و اصطلاحات... ولایتی قرار داده بعضی فرهنگها توسط مؤلفان بطور انفرادی و برخی بطور دسته جمعی و همچنین برخی موسسات دولتی وابسته بدولت بتألیف فرهنگهای مختلف مشغولند و تاکنون پیشرفتهائی در رفع معایب و نقایص مذکور بعمل آمده و امیدواری حاصل است که در ظرف چند سال فرهنگ مستدل و مستند (Standard) فارسی تألیف و منتشر شود.